

## صفای باطنی

نتیجه یک تحقیق اجتماعی در مورد رفتار، شخصیت و ارزشهای جامعه ایرانی

مجتبی کاشانی

مشاور اجرایی نظام مدیریت مشارکتی و نظام 5s

E-Mail: Kash-m-Kash@hotmail.com

در سال ۱۳۵۰ با مشارکت مالی بخش خصوصی آن زمان، هماهنگی و تایید وزارت علوم و آموزش عالی وقت و همکاری علمی دانشگاه هاروارد به منظور تربیت مدیران حرفه‌ای، مرکزی علمی - مدیریتی بین‌المللی با عنوان مرکز مطالعات مدیریت ایران IRAN CENTER FOR MANAGEMENT STUDIES (ICMS) دایر گردید.

این مرکز که برای تربیت مدیران صنعت و سازمانهای وابسته به آن در سطح ایران تشکیل شده بود با انتظارات بالای علمی به پذیرش دانشجو، می‌پرداخت و پس از یک دوره بسیار فشرده شبانه‌روزی به کسانی که موفق به گذراندن این دوره پرکار می‌شدند MBA یا «فوق لیسانس مدیریت» با اعتبار دانشگاه هاروارد اعطا می‌کرد. دانشجویان ترکیبی از ایرانیان و افراد غیرایرانی از سراسر جهان با زمینه‌های تحصیلی بسیار متفاوت از رشته‌های علوم انسانی تا مهندسی باسوابقی از کاملاً بی‌تجربه تا شاغل و دارای سوابق تجربی با امتحانات ورودی بین‌المللی برگزیده می‌شدند. استادان را نیز ترکیبی از عمدتاً استادان غیرایرانی دانشگاه هاروارد و بعضاً ایرانیان مدرس این دانشگاه تشکیل می‌دادند.

شیوه تدریس و تحصیل به روش مطالعه موردی بود و از این رو با توجه به شباهت بسیار زیاد این روش تحصیلی با شیوه طلبگی علوم دینی در ایران، معماری ساختمان این مجموعه به دست یکی از طراحان ساختمان ایرانی و با اقتباس از مدرسه چهارباغ اصفهان طراحی گردید، که امروز همه آن مجموعه در اختیار دانشگاه امام صادق (ع) است.

شاید ذکر این مقدمه برای ورود به این مقاله مدیریتی - بومی - انسانی بسیار ضروری بود. از آنجا که این مرکز که از نامش پیداست مرکز

مطالعات مدیریتی بود در مدت چند سال اول ایجاد خود، مجال پیدا کرده بود تا با کمک یک گروه تحقیقاتی، روابط و رفتار موجود اجتماعی و انسانی ایرانیان را با الگوی رفتاری اصولی و مطلوب اجتماعی - انسانی و بومی مورد نیاز جامعه صنعتی ایران مطالعه کند.

خوشبختانه این تحقیق تا قبل از حضور تحصیلی نویسنده در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ در این مرکز، تکمیل شده بود و دستاورد آن در مطلبی با نام «صفای باطن» به عنوان یک مطلب مهم و در درسی با نام مخفف «BORG» (BEHAVIOR IN ORGANIZATION) یا رفتار سازمانی مطرح می‌گردید. مقاله «صفای باطن» که اساساً به زبان انگلیسی تهیه شده بود با تاکید به بررسی ویژگی اخلاقی و برجسته لوطی‌گری در ایرانیان به عنوان یک الگوی آرمانی - ارزشی پرداخته است که ناشی از ارادت و الگو برداری همه ایرانیان است که نشأت گرفته از فرهنگ پهلوانی و از شخصیت علی علیه السلام است. به همین دلیل، جا داشت در سال گذشته که سال علی (ع) نامگذاری شده بود ارائه می‌گردید اما متأسفانه مشغله فکری مجال این کار را نداد.

اما از آنجا که به هر حال مطالعه این تحقیق که سالها از آن می‌گذرد به نظر می‌رسد هنوز بتواند الگوی مناسبی برای رفتار انسانی مدیران در سازمانهای ایرانی که فضای عاطفی و احساسی خود را در ایران حفظ کرده است به دست مدیران دهد. فرصت را برای ترجمه خلاصه‌ای از آن را مغتنم می‌شمارم و به عنوان برگ سبزی به محضر «باصفای» مدیران و کارکنان شریف «لوطی مسلک» ایرانی تقدیم می‌کنم.

نویسنده خود از زمان مطالعه این مطلب در همان سالها آن را به عنوان یک الگوی رفتاری

سازمانی مناسب در محیط کار و صنعت در ایران آگاهانه بکار برده و کامیابیهای چشمگیری در زمینه امور اجرایی، در تدریس و محیط آموزشی و مشاوره مدیریت بویژه در زمینه ایجاد تغییر و تحول و کاهش مقاومتها در کارخانه‌ها در اجرای نظام 5 سین صنعتی (5S) به دست آورده است. حتی در ۲۰ سال گذشته به تحقیق دریافته است که پذیرش مدیران و سرپرستان توسط کارکنان و زیردستان آنها بیش از آنکه به میزان تحصیل، تخصص، تجربه و توانایی حرفه‌ای آنان مربوط باشد به خصیله‌های انسانی و اخلاقی آنان ارتباط دارد و به نظر می‌رسد کارکنان ایرانی تا مدتی را به لحاظ معیارهای انسانی نپذیرند از او تبعیت و با او همکاری نمی‌کنند. به همین دلیل توصیه نویسنده، استفاده از واژه کلمه مدیر «مرشد» به جای مدیر «ارشد» بوده است. اصل خود ساخته «ص» نیز که به بویژگی مدیران برای کامیابی در محیط کار ایران اشاره دارد و شامل ارزشهای صداقت، صبوری، صمیمیت، صراحت و صلابت می‌گردد نیز از همین تجربه و باور ناشی می‌شود.

مقدمه خود را با این سوال آن زمان آن استاد غیرایرانی که هنوز در گوشم طنین انداز است به پایان می‌برم که: «شناخت «صفای باطن» و «لوطی‌گری» تا چه حد می‌تواند مدیران ایرانی را در رفتار انسانی و سازمانی موفق‌تر در محیط کار در ایران یاری دهد؟»

### مقدمه‌ای بر روش تحقیق

این مقاله حاصل تلاشهای دسته‌جمعی گروهی پژوهنده ایرانی و امریکایی است که به مدت پنج ماه، در جلسات هفتگی به منظور سیر در انگاره‌های ملی در شخصیت و ارزشهای ایرانی صورت گرفته است.



**ایرانیها از نوعی رفتار سرشار از صداقت با احترام یاد می‌کنند که «صفای باطن» نام گرفته است.**

سیاستمداران مربوط می‌شود سخن به میان می‌آورند. این ویژگیها در جوامع شهری و در میان طبقات متوسط و بالای تهران و اصفهان بیشتر به چشم می‌خورد. این انگاره‌ها متعلق به افرادی است که اصطلاحاً زرنگ، حسابگر، فرصت‌طلب، متظاهر، زدوبندچی، چرب‌زبان، پشت هم‌انداز یا پاشان نامیده می‌شوند. هدف پنهان عامل اصلی در این امر می‌تواند تفرق و عدم تطابق میان کردار و پندار ایرانیان باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد، خصوصیات اخلاقی دیگری هم وجود دارند که ایرانیها فقط در خودشان می‌بینند (برخی از این خصوصیات در خارجیهایی که با آنها برخورد می‌کنند وجود ندارد). در ایران ما در مورد افرادی می‌شنویم که به حدی مهربان، فروزن، متواضع، حساس، باعاطفه، دلسوز، خونگرم، دست و دلباز و وفادار هستند که علاقت شخصی را فدای این احساسات خود می‌کنند و بسیاری کسان را می‌بینیم که از معتقدان پروپاقرص عوالم روحانی و غیب هستند. ایرانیها برخی اوقات با احترام و حتی دروغ از نوعی رفتار و انگیزش سرشار از صداقت و صفا یاد می‌کنند که آن را در فارسی «صفای باطن» می‌نامند. به اعتقاد ما این خصیصه برای شناخت یک شخصیت مثبت مورد احترام همگان، مهمترین است.

حضرت علی نمونه انسان کامل است و تمام خصایل نسیک و پسندیده، گناه تاسرحد تناقض‌گویی آشکار، به او نسبت داده می‌شود. نخستین دسته خصایلی که از خلال شبکه داستانهای کوتاه در حضرت علی یافتیم همان خصوصیات اخلاقی قهرمان فیلم پرطرفدار کاکو بود. این خصایص به تواناییهای رزمی و نظامی حضرت علی به عنوان فرمانده نظامی و مرد میدان کازار مربوط می‌شود. ازسوی دیگر ما

می‌خورده، بی‌آنکه تحقیقات تاریخی نقش عمده‌ای در این میان بازی کرده باشد.

بزرسی و تحقیق در مورد مفاهیم والا و ارزشمند فرهنگی حاصل از پدیده‌های فرهنگی از قبیل هنر، ادبیات، اسطوره و آداب و سنن و مفاهیم گوناگونی مانند شرف و افتخار، پاکي و مسمومیت یا پهلوانی و سلحشوری رابطه تنگاتنگی دارد. این روش با روش نمونه‌گیری و توزیع پرسشنامه و روشهای تشخیصی - روانی در بررسی توزیع آماری ویژگیهای خصیصه، بدون توجه به عامل فرهنگ، در تضاد کامل است. از این روش در بررسی حاضر برای مطالعه بر روی خصیصه «صفای باطن» که از دو طریق متقابل و با یاری افراد مختلف در ارتباط با نهادهای همزیست بسط داده شده است، بهره بردیم.

در جداسازی این زمینه‌ها، از بسیاری مواد فرهنگی استفاده شده است. این بررسی تئوریک می‌تواند به مطالعه‌ای آماری منجر شود، ولی تاکید ما همواره بر استفاده از ابزار خواهد بود که به منظور بررسی یک فرهنگ خاص با تاکید بر چندگانگی و تفاوت در برخورد های فردی با زمینه‌های مشخص فرهنگی خواهد بود. بنابراین، در تحقیقاتی از این دست، تاکید عمده می‌بایست بر گسترش سیر و سلوک و پاشان‌گیری فرضیه‌های مورد نظر باشد. به علاوه این مقاله گزارشی است از کاری روبه پیشرفت و تکامل که می‌بایست به عنوان تحقیق کاوشگرانه و آزمایشی به آن توجه شود.

#### تالیهای افراطی شخصیت

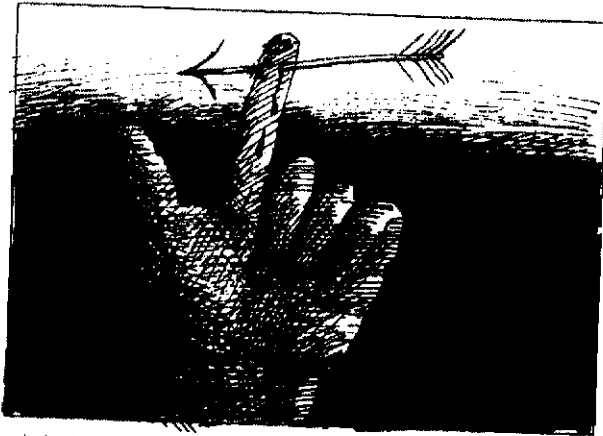
ایرانیها به هنگام انتقاد و خرده‌گیری از جامعه خود از خصایل منفی چندینی که اغلب به انگاره‌های منفی بخصوص در مورد بازرگانان و

علاوه بر بحثهای گروهی، اعضای گروه در چند مصاحبه هم شرکت کرده‌اند و همه با هم به تماشای فیلمهای مورد نظر پرداخته و به مطالعه متن دو داستان کوتاه مبادرت ورزیده‌اند. کلیه افراد گروه با بهره‌گیری از تجربیات شخصی خود در این جلسات شرکت می‌کردند و برخی از آنان همزمان به انجام مصاحبه، ضبط طرحهای کلی فیلمها و مطالعه ادبیات معاصر، کتابهای کودکان و غیره مشغول بوده‌اند.

تحقیقات اولیه برای تهیه این مقاله «درمحل» (تهران) و به دور از تاثیر عوامل و انگیزه‌های سیاسی موثر در پژوهشهای مشابه گذشته، صورت گرفت. در واقع ترکیب گروه پژوهشگر تا حدودی از این احساس متأثر بود که بخش عمده‌ای از پژوهشهای انجام شده در مورد ایران که توسط متخصصان علوم اجتماعی غیرایرانی انجام شده است حتی آن دسته که از نظر محل پژوهش در خود ایران انجام گرفته است، هریک به دلیلی از نظر خود ایرانیها سرود و بی‌اعتبار شناخته می‌شوند.

با این همه، گروه ما نمی‌تواند ادعا کند که همه جوانب لازم را برای مطالعه تمامی خصایص ملی ایرانی مورد نظر قرار داده باشد. باید خاطر نشان کنیم که انگیزه‌ها و عوامل سیاسی توجه به یک ملت را آنگونه که در چارچوب قراردادهای و مرزهای بین‌المللی تعریف می‌شود، سبب می‌شدند.

برگرفته‌هایی از چند فیلم پرطرفدار که توسط گروههای شهرنشین با معلومات متوسط تهیه شده است، و خاطرات کودکی تعدادی از سطوح مختلف اجتماعی به عنوان انگیزه‌های اساسی در این راه موثر بوده‌اند. استفاده از برخی اطلاعات تاریخی به منظور نمایش امکان وجود برخی ریشه‌های تاریخی، در این بحثها به چشم



### کمال مطلوب صفات برجسته پهلوانی و روحانی با عوامل جغرافیایی و سیاسی در تاریخ ایران از نباط تنگتنگ دارد.

در چارچوب خاتمه معنویت و اعراض از مادیات و خواهشهای نفسانی را پیشه کند یا نکند ولی در هر حال از نوعی نظام معنوی که طریقت نام دارد، تبعیت می‌کند. خصلت درویشی به هر حال به فردی نسبت داده می‌شود که از آئین و نظام رسمی خاصی پیروی نمی‌کند ولی نسبت به ظواهر و خواسته‌های این جهانی در نهایت بی‌اعتنا و بی‌علاقه است. از آنجا که درویش در به جهان آوردن مراسم مذهبی تعبدی ندارد، این مسلک بُعدی از مهرورزی و رفیق‌دوستی به خود می‌گیرد، هرچند در آئین درویشی میزانی از قبض نفس و مسامحه، هرچند ناخوشایند، در گرایش به تنهایی و انزواطلبی به چشم می‌خورد. این نگرش کلی در مورد صوفی‌ها کاربردی ندارد. ظاهراً از آنجا که درویشی و شعر هر دو باکنه ضمیر و اعماق ژرف روح بشر سروکار دارند نوعی ارتباط وسیع میان آن دو وجود دارد.

#### لوطی‌گری

محل تجمع و پایگاه تشکیلاتی لوطی‌ها زورخانه نام دارد. زورخانه مرکز تجمع سنتی برای رشد و تکامل معنوی فضایل پهلوانی دلاوری و شجاعت مردان و بهترین مکان تجلی آداب و سنن لوطی‌هاست. در حال حاضر هنوز هم تعدادی زورخانه در تهران وجود دارد (بنا به یک روایت در حدود ۵۰۰ زورخانه که به نظر اغراق‌آمیز می‌آید). لوطی محل، پهلوان قلندری است که در میان اهل محل و همسایگان به نیروی بازو و زورمندی شهرت دارد و حامی ضعیفای محل و حافظ نظم و امنیت محله به‌شمار می‌آید. برخلاف درویشی که برای رسیدن به کمال معنوی از نظامی درونی متابعت می‌کند، در مورد لوطی به عکس مقابله مدام ناشی از احساس مسئولیت درونی و استفاده از نیروی جسمانی در

برمی‌گردیم به مسئله اصلی رابطه این صفات با مفاهیم متعارفی که از نیکی وجود دارد.

بی‌تردید کمال مطلوب و آرمانی صفات برجسته پهلوانی و روحانی با عوامل جغرافیایی و سیاسی در تاریخ ایران و با راهی که ارزشهای خاص ایرانیان با استفاده از آن راه موقعیت ویژه خود را در درون جهان اسلام پیدا کرده‌اند، ارتباط تنگتنگ دارد. از سوی دیگر، زمینه‌های مشابهی را می‌توان در میان دیگر ممالک مسلمان پیدا کرد. لوطی‌گری را می‌توان با آرمانهای اعراب آورد و مردانگی و شرف و افتخار در قیاس آورد و درویشی را در تمام زمینه‌های پرهیزگاری و تصوف اسلامی و تضاد همیشگی مسلمانان تجمل‌پرستی و عیش و عشرت مفراط و سادگی و بی‌پزیرایی صحرائشیمان و مخالفت پارسایانه با تجملات پیگیری کرد.

در زندگی ایرانیان کلمات درویش و لوطی با آنکه توسط شهروندان تحمیل‌کرده امروزی برای توصیف خصوصیات اخلاقی دوستان و همکاران به کار می‌رود، می‌بایست در ارتباط با نهادهای مشخصی از جامعه سنتی، که هنوز هم در تهران امروز از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار است، و در ارتباط با وظایف و آداب و سنن خاصی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با این همه، این اصطلاحات هنوز هم مراجع معتبری برای دستیابی به ویژگیهای اخلاقی خاص خود به دور از نهادها و آداب و سنن قدیمی هستند.

#### درویشی

محل تجمع تشکیلاتی در ایران خاتمه نام دارد که شرح سنن و جایگاه اجتماعی آن از عهد این بررسی خارج است. آنچه مورد بحث و نظر ماست نقش درویش یا صوفی است که می‌تواند

توانستیم از خلال مصاحبه‌ها، به دسته‌ای کاملاً متفاوت از خصوصیات اخلاقی مربوط به وارستگی و دوری از دنیا و مادیات که با وجود عدم همزمانی و همزمانی با دسته اول آنها هم به حضرت علی نسبت داده می‌شود، دست یابیم. چنین به نظر می‌رسد که در سلسله صفات عالی بشری که تجلی صفات پسندیده حضرت علی است دو دسته بخصوص متمایز می‌شوند. این دو دسته صفات حمیده در حضرت علی به یکدیگر پیوند می‌خورد به قسمی که خوبی عادی و متعارف خود با جاذبه و اغراق کمتری بجای در میانه این دو حضور پیدا می‌کند.

ناکید ما در این بررسی بیشتر بر روی خصایلی خواهد بود که به چهره‌های برجسته فهرمانی و معنوی منسوب هستند زیرا عوامل مشترک میان آنها فضیلت‌اصفای باطنی را نمایان می‌سازد. قدرت سلحشوری و مردانگی دسته اول را می‌توان لوطی‌گری نامید، اصطلاحی که در سالیهای اخیر بیشتر به کار می‌رود و در مباحثات قدیمی‌تر از آن با عبارت جوانمردی یاد می‌شود. از خصایلی معنوی و روحانی و گریز از دنیاطلبی و مادی‌گرایی در اینجا با عبارت درویشی نام برده خواهد شد. گرچه عبارت درویش امروزه به جای گروه خاصی از مردان خدا به گونه خاصی از افراد اطلاق می‌شود. علاوه بر اینها به هنگام بررسی تمامی این خصایلی و ویژگیها در دورانهای مختلف لازم است پیوسته تصوف را نیز در نظر داشته باشیم. در ضمن بد نیست بدانیم که جمع این دو دسته صفات حمیده در یکی دیگر از چهره‌های نیمه اساطیری صددرصد ایرانی یعنی پوریای ولی، یکی از پهلوانان قرون وسطی که بعدها به مسلک صوفیان درآمد، روایت شده است. پس از دستیابی به سانی عبارات لوطی‌گری و درویشی

**ویژگی اخلاقی و برجسته لوطی‌گری در  
ایرانیان به‌عنوان یک الگوی آرمانی -  
ارزشی در این مقاله مورد بررسی قرار  
گرفته است.**



می‌آیند و هیچ نوع فضیلتی نمی‌تواند در نظامی بی‌تخصص و تکنیکی به این خوبی جاسبفتد. درویش و لوطی هر دو نسبت به ارزشها و اهداف سستی در موقعیت مشابهی به سر می‌برند و در نتیجه بهتر از دیگران می‌توانند خصیصه «صفای باطن» را که اصلی‌ترین خصلت مشترک میان آنهاست، حفظ کنند. در ادامه کار ما برآنیم که

حسابگرانه و ظاهرسازانه مستهی می‌شود. در جدول شماره یک آن دسته از جنبه‌های درویشی و لوطی‌گری که دارای پیامدهای مشترکی هستند در مقابل یکدیگر قرار داده شده و پیامدهای مشترک آنها در سمت چپ جدول نشان داده شده است. (خصیصه‌های عاری از مشترکات در این جدول منظور نشده است).

مواجهه با مشکلات بیرونی سیورتکاملی شخصیت او را سبب می‌شود. او تنها کسی است که می‌تواند همگان را مورد آزار و اذیت قرار دهد و با به عکس با حمایت و پشتیبانی از ضعفا به قهرمان توده ضعیف مبدل شود.

**رابطه درویشی و لوطی‌گری با صفای باطن**

تأثیرات متقابل درویشی و لوطی‌گری مقوله «برپایی است. با آنکه آئین پهلوانی در میان ایرانیها ظاهراً ریشه‌هایی در ایران قبل از اسلام دارد. ولی بعدها رویارویی با انگاره کاملاً مشابه عرب یعنی فتوت موجبات تقویت و قوام بیشتر این آئین را فراهم آورده است. برخی تشابهات تشکیلاتی و عقیدتی میان مسلک دراویش و جوانمردان زمانی پدیدار شد که اولین طوائف صوفیه به تبعیت از سلوک جوانمردان شکل گرفتند، و در هر صورت زورخانه در حال حاضر با بکارگیری برخی اصطلاحات صوفیه ظاهراً تأثیری معکوس را نشان می‌دهد. شخصیت لوطی نیز در شخصیت پهلوان یعنی قهرمان حماسی ایران باستان ریشه دارد و براساس آن شکل گرفته است. در طول عملیات ورزشی و پهلوانی در زورخانه اشعاری از شاهنامه خوانده می‌شود. خواننده (مرشد) با اشعاری در منقبت فضایل ایمان، فروتنی، و قناعت آغاز می‌کند و پس از آن به خواندن اسبانی در ستایش شجاعت، سلحشوری و شرافت همانگونه که رستم دستان قهرمان اصلی حماسه از این فضایل برخوردار بوده است، می‌پردازد.

با آنکه لوطی‌گری و درویشی در برخی جهات تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند، نوعی هماهنگی در میان آنان وجود دارد که به تضادی متعارف با انگاره‌های ریاکارانه،

مشترکات	لوطی‌گری	درویشی
پسیوند و ثبات در احساس و رفتار	برون‌گرایی احساسات شدید عاطفی، با بیان نمایشی	درون‌گرایی آرامش خاطر وارستگی فروتنی و ادب در برابر همگان و تبری از تعارف
تداوم در عواطف و اعمال صفای باطن	تظاهرات اغراق‌آمیز استفاده از تعارفات معموله در سخنگویی	معنویت تعمدات افراد نسبت به یکدیگر (دوستی)
غیرمادی	از خودگذشتگی	تبری از مادیات نفی منیت
ضد حسابگری	شخص‌گرایی دریند شرف و آبروی فردی	نسبی‌گرایی خودناگاه
ضد قانون عدم وابستگی به نظام و مقام و موقعیت اجتماعی		

جدول شماره ۱ - وجوه اشتراک درویشی و لوطی‌گری

هسته مرکزی و مشترک میان لوطی‌گری و درویشی را که همانا تبری از ریا و سالوس، همسازی و هماهنگی میان پندار و کردار و اعراض از نفاق و دورویی است را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. درخور توجه آنکه اکثر کسانی که از آنها سوال شده آیا لوطی و درویش شبیه هم

توجه کنید که علی‌رغم اعراض لوطی‌ها و دراویش از قرارگرفتن در رأس حکومت و جلوداری شبکه دیوانسالاری و سوداگری ایران، صرف اعمال و وجود آنان یکی از عوامل تعدیل‌کننده این شبکه است. آنان بی‌تردید جزء لاینفکی از نظامهایی از این دست به‌شمار

بکرنگ در کمال راحتی و آرامش خیال در کنار هم زندگی کرده و می‌توانند عواطف و احساسات خود را بی‌هیچ پرده‌پوشی به یکدیگر بنمایانند، حسرت می‌خورد و یا همه اینها حتی در این مرحله رویایی نیز شک و تردید لحظه‌ای او را آسوده خاطر نمی‌گذارد.

اینجاست که محظور و مشکلی که پیشتر از آن سخن رفت بخصوص برای گروهی که مستقیماً با آنها سروکار پیدا کردیم جدی‌تر و شدیدتر می‌شود. «صفای باطن» در فرهنگ ایرانی مقوله‌ای قدیمی و گسترده است. با وجود آنکه با تمرکز شدن قدرت، عملاً تمام لوطی محله‌ها رنگ باخته‌اند و این روزها اعراض از سال‌پرستی در کتابهای کودکان و فیلمهای سینمایی این ملتی که دوی پیشرفته‌های اقتصادی است دیگر جایی ندارد، لوطی و درویش هنوز هم چهره‌هایی با معنا و مفهومی بسیار کلی به‌شمار می‌آیند. با وجود این، تعلیم و تربیت و فرهنگ غرب برای ایران هم مانند دیگر کشورهای روبه رشد جهان ابعاد تازه‌ای از ابهام و

## نتایج

این مقاله بیان عملی کاری درحال پیشرفت است. به همین دلیل جنبه‌هایی از لوطی و درویش را که در جامعه ایرانی بسیار کمیاب هستند و جنبه‌هایی که ارتباط کلی‌تری در شکل‌گیری شخصیت دارند با دقت کامل دنبال کردیم. مقاله در همین جا با بیان جنبه‌های گوناگونی که هر یک از آنها نیازمند تحقیقات مدون بسیار دقیقی است، به پایان می‌آید. ما در مراحل معتقدیم که مسئله اصلی در پرداختن به لوطی‌گری و درویشی توجه شدید ایرانیها به صداقت و پاکدلی است که با بدبینی رایج در این مسلک در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد، چه بدبینی ایرانیها نسبت به صداقت و اعتماد دیگران تا آن حد زیاد است که همیشه به یأس و ناامیدی منتهی می‌شود.

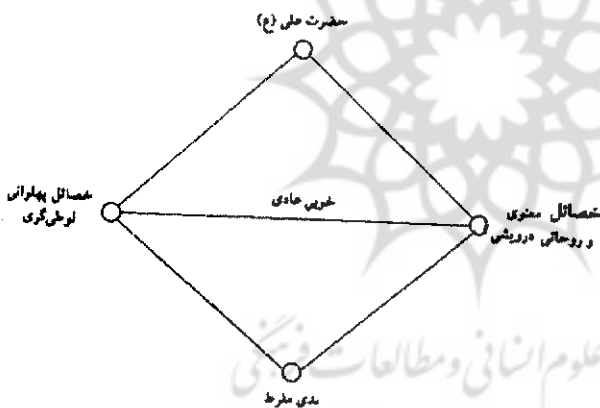
ارزش والا این که مردم ایران برای صداقت و صفا قائل می‌شوند به محظور و مشکلی مفروط و ژرف منتهی می‌شود، زیرا صفا و صمیمیت از آن دسته مساعی فضیلت‌آمیز که در آنها شخص

**تحقیق حاضر می‌تواند الگوی مناسبی برای رفتار انسانی مدیران در سازمانهای ایرانی باشد.**

هستند؟ بلافاصله و با قاطعیت پاسخ منفی داده‌اند، ولی پس از مدتی در کمال تحیر به این نتیجه رسیده‌اند که این دو شخصیت بسیار شبیه به هم هستند. علاوه بر آن یکی از اعضای ایرانی گروه تحقیق ما در صحبت‌های اولیه گروه مطلب جالبی بیان کرده است به این مضمون که: «هر ایرانی حتی در بازار کسی درویش و لوطی‌گری درخود دارد»، به گفته کیکاوس ابن اسکندر نویسنده قرن بیازدهم: «بدان ای پسر که سه چیز است از صفات مردم که هیچ آدمی نیایی که بر خود گواهی دهد که این سه چیز مرا نیست، دانا و نادان بدین سه چیز همه از خدای تعالی خشنودند اگرچه این سه چیز خدای تعالی کم کس را داده است و هر که را این سه چیز بود از خاصگان خدای تعالی بود، از این سه گانه: یکی خرد و دوم دوستی و سوم مردمی و چون به حقیقت نگه کنی به خرد و دوستی و مردمی، دعوی به دروغ نمی‌کنند زیرا هیچ جسدی نیست که این سه صفت اندرو نیست.

## ژرفنای ابهام و تناقض

پذیرش واقع‌بینی، حسابگری و زرنگی به‌عنوان ملزومات یک نظام پیچیده از جانب ایرانیها و در عین حال دل سپردن به صفای باطن نوعی تناقض و ابهام را سبب می‌شود. به هنگام بحث در مورد فیلم رگبار یکی از شرکت‌کنندگان در گفتگو می‌گوید: «او (قهرمان فیلم)، انسانی پاکدل و نیکو‌خصال است، ولی جامعه به او اجازه نخواهد داد همانطور پاک و خوب بماند. با این حال، قهرمان که معلمی جوان است در عین حالی که بسال‌آخره مایوس شده و امیدهایش مبدل به یأس می‌شود می‌تواند افراد دور و بر خود را تحت‌تأثیر قرار داده و رفتارشان بر لایق‌بندی بدبینانه آنان تأثیر بگذارد.



خودآگاهی و نقشهای فراوانی از تظاهر و ریاکاری، و تزلزل و پریشان‌احوال به‌ارمغان آورده است. محظور و بن‌بستی که پیشتر از آن یاد کردیم سهم عمده‌ای در حفظ و ادامه رفتار مناسب در بافت جامعه سنتی ایرانی و القاء شک و تردید در نیات باطنی و نمایش ظاهری دیگران عهده‌دار بوده است. در نتیجه، هر جا که شبکه اجتماعی پویایی به چشم می‌خورد، ادب و احترام جمعی فرد را در درک برخی فضایل و سجایای اخلاقی انسان کامل یعنی حضرت علی به تخمین و تقریب مجاز و متمیز می‌گرداند، بی‌آنکه در این امر راه غلو و زیاده‌روی در پیش گیرد. به عبارت دیگر، «از هر قلبی دریچه‌ای به سوی حضرت علی (ع) گشوده می‌شود».

مسائل را که دیگری حس نمی‌کند و تنها خود او متوجه می‌شود، دور شده و با جریان زندگی همراه می‌شود. شجاعت، شکیبایی، فنوت و جوانمردی... و دیگر خصایل اخلاقی می‌توانند دستخوش دوگانگی و نفاق شوند، اما همانطور که کیکاوس بن‌اسکندر در توصیف خود از درویش می‌گوید: «عین حقیقت نفی دوگانگی است و عین صدق نفی خلافت» هر ایرانی نسبت به عملی شدن آرزوها و آمال خود پیوسته در شک و تردید بسر می‌برد و در عین حال همزمان حضور انکارناپذیر و دیرپای آن آرزوها و امیال را در دل و روح خود احساس می‌کند. در نتیجه او همیشه برای دستیابی به دنیایی آکنده از صفا و صمیمیت که در آن وابستگان و دوستدار